

روایت «آرمان ملی» از مواجچه کانون های قدرت با تفاهمنامه

مخالفت؛ تاکتیک یا شکاف؟

آرمان ملی - **عماد موحد**: زمانی که آمریکا و اسرائیل به کشورمان حمله کردند، عده‌ای از مخالفان نظام در خارج از کشور در این شیپور می‌دمبندند که احتمال کودتای نظامیان در ایران می‌کشیدند از ساختار سیاسی کشور بی اطلاع بودند. ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری کلان کشور از چنان درهم تنیدگی و پیچیدگی برخوردار است که امکان شکل‌گیری هسته‌های اولیه برای انجام کودتا را منتفی می‌کند. ضمن اینکه با وجود همه دلخوری‌ها و ناراضیاتی‌ها از مشکلات اقتصادی، ساختار سیاسی کشور همچنان از حمایت مردمی بهره‌مند است. قبل از تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، فارن افرز نوشت: «اگر نجبان حاکم در ایران تصمیم بگیرند اقدام کنند، این کار به احتمال زیاد با سرعت و بدون هیچ نشانه قبلی انجام خواهد شد. هیچ علامت هشداردهنده‌ای برای ناظران بیرونی وجود نخواهد داشت». روشن است که نویسنده مقاله به این دلیل چنین حرفی را مطرح کرده که کوچکترین شکاف در سطح تصمیم‌گیری مشاهده نکرده و به دلیل یکدستی ساختار حاکمیت به این نتیجه رسیده که چنین حرکتی بدون نشانه اولیه خواهد بود. نویسنده در ادامه احتمال کودتا را با تأکید بر فاصله بین نسل قدیم و جدید توضیح می‌دهد. روزنامه کیهان هم اشاره‌ای به این موضوع داشته است. به اعتقاد کیهان «این فرمول در جمهوری اسلامی ایران قابل اجرا نیست، چراکه در ایران اسلامیه نقطه نویسنده فارن افرز است. در یک نقطه متمرکز نیست. در ساختار منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران، قدرت متعلق به مردم است و دولتمردان و مسئولان نمایندگان قدرت هستند و نه کانون متمرکز قدرت». حرف کیهان، توضیح دهنده نقطه ضعف نویسنده فارن افرز است. در ساختار سیاسی ایران، قدرت در یک نقطه متمرکز نیست یا می‌توان گفت با وجود تلاش برخی برای انحصار قدرت، چنین انحصاری شکل نگرفته و همچنان قدرت در ایران متکثر و معطوف به کانون‌های متعدد است.

◀ وحدت نظر شکننده

تعدد کانون‌های قدرت در کشور، اگرچه در مورد گفته شده می‌تواند جلو تشتت و بی‌نظمی را بگیرد، اما در صورت خارج شدن کنترل اوضاع از دست مسئولان، تصمیم‌گیری در موضوعات مورد اختلاف بسیار دشوار می‌شود و حتی اگر در موردی، نتیجه‌ای حاصل شده و تصمیم کلان گرفته شود، کانون‌های قدرتی که مخالف آن تصمیم بوده‌اند، از توان کارشکنی کافی برای بی‌اثر کردن تصمیم کلان برخوردارند. مانند اتفاقی که در ماجرای برجام دیدیم. برجام حاصل مدت‌ها گفت‌وگوی فشرده در داخل و خارج کشور بود. زمانی که تیم مذاکره‌کننده توانست علاوه بر امضای دیگر کشورهای طرف مذاکره، برای آن تأیید شورای امنیت سازمان ملل راهم کسب کند، به نظر می‌رسید قبل از آن در داخل کشور وحدت نظر پیدا می‌آمده بوده که تیم مذاکره‌کننده توانسته تا آن مرحله پیش برود. با تصویب آن در مجلس و شورای نگهبان دیگر کمترین تردیدی وجود نداشت و انتظار می‌رفت گام به‌گام از تنش‌های مربوط به برنده‌هسته‌ای کاسته شود. بخصوص که فتوای صریح رهبر انقلاب در ساختی دیگر، به مهم‌ترین نگرانی دیگر کشورها پاسخ داده بود، اما چنین نشد و برجام خیلی زود در رین بست گرفتار شد. در حالی که عده‌ای از مخالفان برجام زمنه‌وار می‌گفتند که هیچ تغییری صورت نگرفته و هنوز صدایشان بلند نشده بود. اولین اختلاف نظر در حه ماجرای خرید هواپیما دیده شد و گروهی در کشور با خرید هواپیمای نو مخالفت کردند و در مقابل این تصمیم موضع گرفتند. در سوی دیگر آمریکایی‌ها هم حاضر به واگذاری هواپیماهای بوئینگ نشدند و اعلام کردند ایران می‌تواند هواپیمای ایرباس از فرانسه بخرد. نهایت اینکه برجام اوج روایرویی دو نگاه در ساختار سیاسی کشور بوده است.

◀ بود و نبود مخالفت!

در سطح فرید رسمی، گاهی شنیده شده که وقتی دیپلمات‌های کشورمان با طرف مقابل مشغول مذاکره می‌شوند، در صورت لزوم از موضع جریان مخالف در کشور برای وارد کردن فشار به تیم مقابل استفاده می‌کنند. توضیح چندانی از این تاکتیک به بیرون درز نکرده اما می‌توان تصور کرد که مثلاً وزیر امور خارجه کشورمان وقتی می‌بیند طرف مقابل بازی در می‌آورد، می‌گوید همین الان که اینجا نشسته‌ام و دارم با شما حرف می‌زنم، کسانی در کشورم آمده‌اند که بازی را بهم برزند. البته میزان اثرگذاری چنین تاکتیکی چندان روشن نیست. در موضوع تفاهمنامه اولیه بین ایران و آمریکا، مخالفان مذاکره نهایت‌تندی را به کار گرفته‌اند. اما چون تصمیم به مذاکره در شورای عالی امنیت ملی گرفته شده و به تأیید رهبر انقلاب هم رسیده، هنوز نتوانسته‌اند جلو مذاکرات را بگیرند. در عین حال باید این احتمال را بررسی کرد که اگر مخالفت تندروها در داخل کشور از حد بگذرد، آیا طرف مقابل در اختیار داشتن تیم مذاکره‌کننده ایران تردید نخواهد کرد؟ آیا تیم مذاکره‌کننده را همچنان تیمی سطح بالا تصور می‌کنند؟ در صورتی که مخالفت تندروها در چشم‌ناظران غربی نشسته باشد، در صورتی که ببینند تندروهای می‌توانند جلوتصمیم‌های کلان را بگیرند، آیا علاقه‌ای به ادامه مذاکره خواهد داشت یا به تیم مذاکره‌کننده می‌گویند اول مشکل داخلی خود را حل کنید؟

شنبه	سال هشتم
۰۶ • ۰۴ • ۱۴۰۵	شماره ۲۴۱۳
۱۲ مهر ۱۴۴۷ / ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶	

«آرمان ملی» تخریب هیأت مذاکره‌کننده را بررسی می‌کند

حمله هدفمند به مسئولان

◀ غلامعلی حداد عادل: متهم کردن مذاکره‌کنندگان منطبق با نظر رهبر انقلاب نیست



اجتماعی می‌خواهند برخی جریانات صرفا با افکار جنگ طلبانه خود می‌خواهند کشور را که هنوز از خسارت‌های جنگ گذشته خارج نشده در شرایط حساس کنونی وارد جنگ دیگری کنند. حال اینکه نظام و حاکمیت نگاه و نظر دیگری دارد و اساسا وقتی به این جریان و نظراتش نمی‌نهد.

◀ صداوسیما و حمله به تفاهم

زمانی در تجمعات شبانه، روزی در صداوسیما و اخیرا هم در هیأت‌های عزاداری محرم، تندروها از مخالفت با تفاهم و تخریب مسئولان و تیم مذاکره‌کننده دست برنمی‌دارند. حال بگذریم از تهدیدها، اهانت‌ها و تخریب و برجسب‌های هتاکانه‌ای که به مسئولان امر به طور مشخص مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف و سیدعباس عراقچی وارد می‌شود. مساله این است که برخی خود را دایه دلسوزتر از مادر می‌دانند و با وجود حمایت رهبری و شعاع از تفاهم باز هم به مخالفت و سنگ اندازی مشغولند. مشخصا صداوسیما به عنوان رسانه‌ای که ققط نام ملی را پندک می‌کشد، در هر برنامه‌ای حمله به تیم مذاکره کننده و تخریب تفاهم را در دستور کار دارد و به ظاهر کارشناسانی را دعوت می‌کند که فقط در مسیر حمله و تخریب صحبت کنند. اینکه ترامپ رئیس جمهور آمریکا همواره اظهاراتی ضد ایرانی و خلاف واقع مطرح کند چیز عجیب و جدیدی نیست، اما

ایران و آمریکا طی دو هفته گذشته واکنش‌های بسیاری را برانگیخته و با وجود صراحت کامل برخی جریانات خاص و تندرو آن راه دستاویزی در جهت حمله به تیم مذاکره‌کننده و تفاهم با آمریکا تبدیل کرده‌اند. چنانکه در هر موضع‌گیری اینگونه القا می‌کنند که رهبری با مذاکره و تفاهم مخالف بوده و دولت و هیأت مذاکره خلاف گفته رهبری عمل کرده و بر همین مبنا به دولت و مذاکره‌کنندگان می‌تازند. این رویه حتی در هیأت‌های عزاداری نیز رسوخ کرده و در اشعار مداحان نیز آمده است. جایی که می‌گویند «مثل رهبر ما مخالف با تفاهم‌نامه‌ایم» در حالی که پرسش این است که رهبری کجا با مذاکره و تفاهم مخالفت کرده‌اند؟ در همین راستا یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در مراسم عزاداری عاشورای حسینی، اظهار داشت: رهبر انقلاب در بن‌داول بیانیه خود، با صراحت می‌فرمایند که همه کسانی که در مسیر رسیدن به این مرحله تلاش کردند، قرار دهد و به دولت و رئیس بانک مرکزی حمله کند، چندان درست نیست. چه اینکه اخیرا مجری برنامه زمانه در شبکه دو گفته است: «کاش قبل از این جلسه تفاهمنامه این پرواز می‌رفت میناب می‌نشست و گلزار شهدای میناب هم سر زده بودیم و پای درد دل بچه‌ها نشسته بودیم. بایکی دارید معامله می‌کنید؟ یکم عقب نشینی کنید دیگه! به یه جاتون بر بخوره دیگه! اگه محصول آمریکایی کیفیتش خوب باشه می‌خریم... یعنی چی؟ من اگه الان سفت روی آنتن حرف زنم فربدا احتمالا چیزی از دست می‌دهم می‌گید». جالب اینکه همتی، در جایگاه رئیس بانک مرکزی صرفا گفته بود که اگر محصولات آمریکایی کیفیت خوبی داشته باشند، خریداری می‌کنیم». به نظر می‌رسد ضرب‌المثل کاسه داغ‌تر از آش برخی افرادی هستند که به هر نحوی یا به دستور یا در جهت خودنمایی به مخالفت با تفاهم یا مسئولان مشغولند و گویی عزمی هم برای مدیریت یا برخورد با این افراد وجود ندارد. همه ایران داغدار میناب است، اما اینکه با طرحد هدفم‌دانه برخی مسائل منافع ملی و تصمیمات کلان کشور در جهت حل مشکلات را هدف قرار دهند چیزی جز اغراض جناحی و جریانی نیست.

◀ تخریب مسئولان

پیام رهبر معظم انقلاب در باره تفاهم

«آرمان ملی» از عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان گزارش می‌دهد

ناتوانی اسرائیل در تصرف لبنان



در جنوب لبنان اثرگذار باشد و از سوی دیگر نمی‌تواند در آن مناطق باقی بماند. برای همین عقب‌نشینی از مناطق اشغالی لبنان در دستور کار قرار گرفته و با این حال صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند این عقب‌نشینی را نتیجه مذاکره با دولت لبنان نشان دهند، نه به خاطر ضربه خوردن از مقاومت و نه به واسطه فشار آمریکایی‌ها برای کاستن از تنش.

◀ عقب‌نشینی اسرائیل

در همین راستا منابع عبری عقب‌نشینی از مناطق اشغالی را نتیجه پیشرفت در مذاکرات معرفی کرده‌اند. به نوشته «برنا»، تلویزیون عبری از پیشرفت محاططانه در پنجمین دور مذاکرات میان بیروت و تل آویو خبر داد. یک منبع اسرائیلی گفت، در دور پنجم مذاکرات میان بیروت و تل آویو پیشرفت محاططانه‌ای حاصل شده که

آرمان ملی

سیاست

گزارش

نگاه «آرمان ملی» به فقدان چهره

کاربرزما تیکتک در اصولگراییان

ساز متفاوت پاچوش‌ها

آرمان ملی - **گروه سیاسی**: دقیقا از زمانی که تفاهمنامه اولیه بین ایران و آمریکا به امضا رسید، فضای سیاسی کشور دو تکه شده است. در یک سمت ماجرا که اغلب مدیران ارشد کشور قرار گرفته‌اند، تلاش بر این است که پیروزی‌های روزبه‌روز میدان مقابل به تجاوز آمریکا و اسرائیل را روی کاغذ پیاده کنند و از آن توافقی بسازند که نیازهای کشور را برطرف و قدرت ایران را تثبیت کند. سوی دیگر ماجرا نگاهی به کلی متفاوت دارد و مخالفت خود را با این فرآیند به هر زبانی که توانسته ابراز کرده است. تیم مذاکره‌کننده با کسب اجازه از رهبر انقلاب و با هشجاری وارد تعامل شده و در گام اول توانسته اراده خود را به طرف مقابل به صورت آتش بس در لبنان اعمال کند. مخالفان اما بر همان نقطه‌ای ایستاده‌اند که در زمان آتش بس قرار داشته‌اند، که چون پیش نهاد آتش بس از سوی آمریکا مطرح شده، لازم است که حملات ایران ادامه داشته باشد تا زمانی که آمریکا و اسرائیل تمام شروط ایران را بپذیرند. از نظر آنها مردمی که زیر بار شدیدترین حملات قرار داشتند، حتما مقاومت می‌کردند و حضور در تجمعات شبانه را شاهی‌دی برای ادعا معرفی می‌کنند. در عین حال آتش بس زمانی از سوی پاکستانی‌ها با جدیت دنبال شد که نفس در سینه منطقه حبس شده بود. آمریکا تهدید کرده بود که به زیرساخت‌های برق و آب کشور حمله خواهد کرد و ایران نیز در مقابل اعلام کرده بود که حملات آمریکا را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. جنه‌های متعدد جنگ و خطر در نگاه مخالفان توافق نمودی نداشته و آنها صرفا بر توان آفندی ایران تأکید کرده و معتقدند که می‌بایست حملات تا تسلیم نهایی دشمن ادامه می‌یافت. آنچه که در نهایت اتفاق افتاد مورد پسند این جریان قرار نگرفته است. به عبارت دیگر یک لایه از بین اصولگرایان که معتقدند حملات باید ادامه می‌یافت و با این نظر، با آتش بس و تفاهم اولیه و مذاکره برای رسیدن به توافق نهایی مخالفت می‌کنند، از بدنه اصلی اصولگرایان جدا شده‌اند و این جداسری یادآور سخن حداد عادل درباره درخت اصولگرایی و پاچوش‌های کوچک است. درست این است که پاچوش‌ها حساب خود را از درخت جدا کرده‌اند.

◀ دو تکه مهم

تقریبا همه جریان‌های شناخته شده اصولگرا معتقدند که بهترین تصمیم را نظام سیاسی کشور اتخاذ کرده و برای رها کردن کشور از بزنگاه حساسی که در آن قرار گرفته بود، بهترین کار کاهش تنش است. به ویژه که در متن تفاهمنامه اولیه، امتیازهای قابل توجهی به ایران داده شده است. با این حال هر روز که می‌گذرد، این جریان از تمام توان رسانه‌ای خود برای جلوگیری از شکل‌گیری توافق نهایی استفاده می‌کند. مخالفت با تصمیمی که در عالی‌ترین سطح مدیریتی کشور گرفته شده، کم‌کم صیقل خورده و به کلمات و صفات سنگینی آغشته شده است. در نگاه آنها برداشته شدن تحریم‌های نفتی ذره‌ای اهمیت ندارد. همچنین در نگاه آنها نزدیک شدن دیدگاه کشورهای حاشیخ خلیج فارس به حرفی که ایران در طول سال‌های منمادی در باره اسرائیل می‌گفت، چندان مهم نیست و به طریق اولی نفس راحت عموم مردم و افزایش امید اجتماعی ارزشی ندارد. صداوسیما به بلندگوی این جریان تبدیل شده است و با علم به اینکه مخاطبان برنامه‌های تحلیلی این رسانه به کدام جریان تعلق خاطر دارند، حمایت از تصمیم کلان نظام سیاسی در برنامه‌های تحلیلی با غایب است و یا نمود بسیار خفیفی دارد. جریان مخالف مذاکره که عموما از طرفداران جلیلی هستند، با توصیف‌های منفی از رفغ یا کاهش تنش، اجازه تصمیم‌گیری به مسئولان نمی‌دهند یا هزینه آن را بالا می‌برند و در این میان دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول اینکه این جریان تصور می‌کند از پشتیبانی همه کسانی که به جلیلی رای دادند برخوردارند و از این رو خود را در صدد کشوری که مردم کشور می‌بینند و نکته دوم اینکه سعید جلیلی که در این میان سکوت کرده بود، در اظهار نظر خود با مذاکره مخالفت کرده است. به نوشته انصاف‌نیوز مسعود براتی با تأیید خبر رای منفی جلیلی به تفاهمنامه با آمریکا گفت: «سعید جلیلی با پذیرش آتش بس در ۱۹ فروردین علی‌الاصول مخالف بوده است، چراکه در دشمن نشانه‌های پشیمان شدن دیده نمی‌شد. از چند روز قبلس هم وضعیت راپشت خیمه معاویه توصیف کرده بود که دشمن با شکست در میدان نظامی به خدعه و فریب روی خواهد آورد». از پاچوش‌ها باید سوال کرد که وقتی خود رهبر انقلاب مسئولیت را به تیم مذاکره‌کننده واگذار کرده، آیا بهتر نیست تا زمانی که تصریح روشنی از ایشان به دست نیامده، تصمیم شعام را بپذیرفت و سخن راهبر انقلاب را تفسیر به رای نکرد؟

◀ قانع کردن لیدر

صرف نظر از اصلاح طلبان، در بین اصولگرایان چهره‌ای مرضی‌الطریقین که حرف او تعیین‌کننده مواضع گروه‌ها و جریان‌های اصولگرا باشد دیده نمی‌شود و اگر هم چنین چهره‌ای وجود داشته باشد، روشن نیست که بایداری‌ها نظر او را به عنوان نظر نهایی بپذیرند و تجربه نشان داده که احتمال پذیرش آن بسیار اندک خواهد بود. مساله این است که با وجود تصمیم کلان ساختار سیاسی کشور مبنی بر مذاکره با آمریکا برای رسیدن به توافق نهایی، جریان بایداری با مشابهت‌سازی بین شرایط فعلی کشور با دوران امیرالمومنین (ع) و جنگ با معاویه، حاضر به تمکین از تصمیم نظام نیست. در این مخالفت حتی چهره‌ای مانند محمدباقر قالیباف هم با وجود سوابقه‌ای که در دوران دفاع مقدس دارد، مورد غضب آنها قرار گرفته است. سوال این است که آیا می‌توان لیدر این جریان را قانع کرد که بدنه این جریان را قدری آرام کند؟